



یک فاجعه زیست محیطی

مری مکینتاش

شب، نفت کش اکسون والدز با صخره‌هایی که بر سر راهش قرار گرفت و «بلائی ریف» نام داشت، برخورد کرد. پنج حفره در بدنه کشتی ایجاد شد که یکی از آن‌ها به طول و عرض ۶ متر در ۲ متر بود. کشتی حامل ۵۰ میلیون لیتر نفت خام بود و این نفت به طرف دریا سرازیر شد. کاپیتان که از ماجرا خبردار شد، این پیام

را به ایستگاه مرکزی کشتی‌ها مخابره کرد: «حادثه‌ای برای کشتی اتفاق افتاده و مقداری نفت از آن نشت کرده است. لذا ما مجبوریم برای مدتی کشتی را در همین جا متوقف کنیم»

متأسفانه عملیات پاک‌سازی و متوقف

کردن نشت نفت، سریع به اجرا در نیامد. قایق مخصوصی که برای چنین موقعیت اضطراری قبلاً وجود داشت، در طوفان دریایی از میان رفته بود. از این رو، چهارده ساعت از شروع ضایعه گذشته بود که عملیات شروع شد. در روز اول دریا صاف و آرام بود، اما از آن به بعد، در حالی که همه تجهیزات لازم برای جلوگیری از نشت نفت، در

محل حاضر شد، دریا طوفانی شد و بادهای قوی، به سرعت نفت را به نقاط دیگر دریا گسترش دادند؛ به طوری که مدیریت شرکت اکسون به خبرنگاران رسانه‌های گروهی اعلام کرد که شرکت در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار گرفته است. نفت زیادی که از این نفت کش به دریا سرازیر

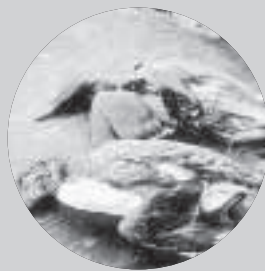
شد، به زودی به طول ۱۷۰۰ کیلومتر، سواحل آلاسکا را به مساحت ۴۸۰۰ کیلومتر مربع آلوده ساخت و این بدترین ضایعه زیست محیطی ناشی از نشت نفت، در تاریخ آمریکا بود.

میلیون‌ها ماهی، سیصد هزار مرغ دریایی و هزاران مرغ دریایی نابود شدند. تنها جسد ۱۶ وال یا نهنگ



نیز، «والدز» بود. نفت کش متعلق به شرکت نفتی اکسون [یکی از هفت خواهران نفتی!] بود و به همین دلیل گاهی به آن نفت کش اکسون والدز هم می‌گفتند. کاپیتان هازل‌وود دریانوردی با تجربه و ماهر بود که از کودکی عشق به دریا داشت، به طوری که وقتی ۳۲

سال داشت، جوان‌ترین کاپیتانی بود که توانست اجازه فرماندهی نفت کش مورد نظر را به دست آورد. با این حال، کاپیتان در می‌گساری افراط می‌کرد و این نقطه ضعف بزرگی برای او بود. یکی از شب‌ها که کاپیتان، از این جهت در وضعیت مناسبی نبود و همان شب، پلیس گواهی‌نامه رانندگی او را در خیابان ضبط کرده



بود، متأسفانه اجازه یافت نفت کش خود را هدایت کند! ترک کردن سواحل آلاسکا برای کشتی‌ها کاری مخاطره‌آمیز است.

چون این سواحل پر از جزیره‌های کوچک و صخره‌هایی است که بعضی از آن‌ها زیر آب قرار دارند. مضافاً که در فصل‌های زمستان و بهار خطر دیگری هم کشتی‌ها را تهدید می‌کند، و آن کوه‌های یخی است. کشتی اکسون والدز در اواخر شب بیست و چهارم مارس پس از بارگیری، حرکت خود به سوی مقصد را شروع کرد. ابتدا کاپیتان

خودش فرماندهی کشتی را به عهده گرفت، ولی بعداً آن را به دستیاران درجه سوم خود سپرد تا بتواند به بعضی از امور اداری رسیدگی کند. درست بعد از نیمه



روشنی

سهراب سپهری

روشنی را بجشیم
شب یک دهکده را وزن کنیم، خواب یک آهو را
گرمی لائنه لکلک را ادراک کنیم
روی قانون چمن پا نگذاریم
در موستان گره ذائقه را باز کنیم
و دهان بگشاییم اگر ماه در آمد
و نگوئیم که شب چیز بدی است
و نگوئیم که شبتاب ندارد خبر از بینش باغ
و بیاریم سبد
ببریم این همه سرخ، این همه سبز
صبح ها نان و پنیرک بخوریم
و بکاریم نهالی سر هر پیچ کلام
و بپاشیم میان دو هجا تخم سکوت
و نخوانیم کتابی که در آن باد نمی آید
و کتابی که در آن پوست شبنم تر نیست
و کتابی که در آن یاخته ها بی بُعدند

و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون
و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت
و اگر خنج نبود، لطمه می خورد به قانون درخت
و اگر مرگ نبود، دست ما در پی چیزی می گشت
و بدانیم اگر نور نبود، منطق زنده پرواز دگرگون می شد
و بدانیم که پیش از مرجان، خلالتی بود در اندیشه دریاها

از آب گرفته شد. بعضی از جانوران و پرندگان موجود در محیط، یا از سرما و یا از گرسنگی تلف شدند و ۲۵ درصد پلانکتون های دریایی نیز از بین رفتند. پلانکتون را که می دانید چیست؟ آن ها گیاهان و جانوران بسیار ریزی هستند که در دریا زیست می کنند و در زنجیره غذایی موجودات دریایی بسیار اهمیت دارند. پلانکتون ها، به ویژه غذای ماهیان ریزی هستند که خودشان غذای ماهیان بزرگ تر می شوند و به همین ترتیب این زنجیره ادامه می یابد. پس در این فاجعه، زنجیره غذایی دریازیست ها پاره شد.

مقصر کیست؟

مسئله راحت ترین کار این است که یک نفر را که همان کاپیتان کشتی است، در بروز این فاجعه زیست محیطی مقصر بدانیم. اما حقیقت آن است که در این ماجرا، افراد زیادی مقصر بودند: افرادی در شرکت نفتی اکسون، افرادی در آلاسکا و افرادی هم در داخل کشتی نفت کش. شاید بزرگ ترین اشتباه، ناشی از نگاه غلط کسانی در صنایع نفتی آمریکا بود که فکر می کردند چون تا به حال چنین اتفاقی نیفتاده است، در آینده هم چنین جریانی روی نخواهد داد! این جز بی خیالی و از خود راضی بودن چه می تواند باشد؟

عواقب کار

فاجعه زیست محیطی اکسون والدر، تأثیر بسیار زیادی بر صنعت نفت به جا گذاشت. چگونه؟ می دانیم که هر کشوری به انرژی برای حمل و نقل، صنایع و تولید برق نیاز جدی دارد. این انرژی هم باید از منبعی مانند خورشید، باد، سد، نفت، گاز یا انرژی هسته ای تأمین شود. نیاز به انرژی ارزان سبب می شود که شرکت های نفتی همواره در پی پایین نگه داشتن قیمت نفت باشند و این خود موجب می گردد که عده کمتری را در ساعات بیشتری به کار گیرند و در نتیجه دستمزد کمتری بپردازند. لذا ممکن است افراد خوب کار نکنند. این فرایند در نهایت احتمال روی دادن ضایعاتی بزرگ مانند ضایعه اکسون والدر را بیشتر می کند!

منبع

Disaster! Mary Mcintosh, Oxford university press, 1998